

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی ...؛

آیا دزدی، رشوه، رانت خواری، اختلاس و انواع سوءاستفاده‌های مالی، اگر برای منافع شخصی باشد بد است، یا اگر با هدف حمایت از حزب، هواداران، جریان سیاسی و جبهه خودی، حتی برحق و اصولگرا هم باشد، غیر قانونی، نامشروع و غیراخلاقی و پلید است؟

گرچه فُجِجِ اولی سالیان درازی است از قاموس برخی دست اندرکاران ما، همچون کسانی که در لیست افشاگری‌های پالیزبان بودند یا رؤسای فراری بعضی بانک‌ها، رخت بر بسته، اما برای دومی انواع توجیهات شرعی و عرفی و خودفریبی‌های نفسانی تراشیده می‌شود که امروز شاهد رشد سرطانی آن در جامعه خود هستیم.

از یک طرف رهبر جمهوری اسلامی در هشت سال گذشته همه ساله در هفته دولت با تمجید از احمدی نژاد، بر: عدالت محوری، ساده زیستی، فساد ستیزی، اصول‌گرایی، اجتناب از اسراف و عدم آلودگی همکاران دولت تأکید نموده، از طرف دیگر به گواهی دست اندرکاران خود نظام و مطبوعات داخلی، آمار و ارقام نجومی اختلاس‌ها و انواع سوءاستفاده‌های مالی که در این مدت انجام شده، «اظهر من الشمس» و بی‌سابقه در تاریخ کشور است.

این تناقض را چگونه می‌توان حل کرد؟ آیا رهبری که معترضین را از کش دادن انتقاد و حرام بودن آن هشدار می‌دهد، از این جریانات بی‌خبر است، یا چون ادعا می‌شود جنبه شخصی نداشته و همچون غارتگری‌های مافیای سپاه و سایر جریانات وابسته، برای اهداف انقلابی و حفظ نظام ولایت، که البته اوجب واجبات است، انجام شده، آنها را ندیده می‌گیرند؟ شاید هم مصلحت نمی‌بینند خودی‌ها دست هم را رو کنند و بهانه به ضد انقلاب بدهند، شاید هم مصالحه‌ای با جناح شریک در جنایت‌ها و مطلع از مسائل مالی پشت پرده شده که ملت از آن بی‌خبر است؟

اینکه گفته می‌شود آقای احمدی نژاد در آخرین روز کاری خود ۱۶ میلیارد تومان از ذی حسابی نهاد ریاست جمهوری به حساب دانشگاهی که می‌خواهد تأسیس کند تا پس از پایان خدمت، پایگاه جریان وابسته شود، واریز کرده، بیش از ۴۰ هزار سکه طلا بین اطرافیان‌شان توزیع کرده، هزاران نفر را در هفته‌های آخر به استخدام دولت خود درآورده و سیاه لشکر نخست وزیری را در دوران ریاستش به شش برابر رسانده، صدها قلم هدایای متعلق به نهاد ریاست جمهوری را به دفتری که قرار است پایگاه بعدی ایشان باشد منتقل کرده و امثال این عده و عده جمع کردن‌ها، چون جنبه شخصی نداشته! قابل اغماض است؟

آیا خلاف و خیانت مالی یک مقام عالیرتبه حتما باید صرف خورد و خوراک و خرید ملک و ماشین شده باشد تا شخصی تلقی شود، یا از کیسه ملت، با هواپیمای اختصاصی خیل قوم و خویشان را به کنفرانس‌های سیاسی در بهترین هتل‌های آمریکا بردن و خریدهای آنچنانی کردن هم شخصی تلقی می‌شود؟ اصلا مگر همه تمثیلات نفسانی در خورد و خوراک خلاصه می‌شود؟ مگر جاه و جلال و ریاست و رهبری و احساس قدرت در خرج کردن میلیاردها دلار در مسیر تمایلات خود کم تمنائی است؟

از وقتی سازمان برنامه و بودجه، به پیروی از منویات رهبری، به بهانه آنکه نطفه نامشروع اصل ۴ غربی است! در دوره احمدی نژاد بسته شد، معلوم بود که قرار است پول نفت و همه ثروت مملکت در کیسه پُر فتوت رهبری و منتخبین ایشان قرار گیرد تا به هر کس و به هر کشوری در هر کجای عالم که اراده فرمودند، بی‌اطلاع از ملت و تصویب نمایندگان، میلیارد میلیارد از جیب ملت بذل و بخشش نمایند.

به قول سعدی علیه الرحمه:

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی برآورند غلامان درخت از بیخ

وقتی در نظام ولایت فقیه، مشروعیت دولت و مجلس باید به تنفیذ مقام رهبری باشد، وگرنه نامشروع است، پول نفت و بقیه بودجه مملکت که جای خود دارد! اصلا به ملت و مجلس نمایندگان چه مربوط که حضرت ایشان به چه کشوری، چه مقدار و در مسیر چه اهدافی، کمک بلاعوض مالی می‌کنند؟ در نظام ولایت این فضولی‌ها موقوف است.

خوب، مسلم است وقتی:

به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ

چه جای تعجب اگر دولتمردان انقلابی ما هم، آنچنان که برخی ادعا کرده‌اند، این پول‌ها را برای تحویل به امام زمان! در بانک‌های شرقی و غربی پس‌انداز کرده‌اند، یا قرار است با آن زمینه ساز ظهور شوند!

البته همه گناه را نمی‌توان به گردن از قطار پیاده شدگان فعلی انداخت؛ در این سی ساله خیلی‌ها که سوار قطار شدند، سعی کردند کوپن‌های متعددی را تصاحب کنند تا دیگران نتواند جریان سیاسی‌شان را پیاده کنند، ولی قطار البته به راه و روال خود ادامه می‌دهد.

نردبان خلق این ما و منی است عاقبت زین نردبان افتادنی است

هرکه بالاتر رود ابله تراست کاستخوان او بتر خواهد شکست

گهگاه محاکمه‌هایی را هم شاهد بوده‌ایم که در رقابت قدرت، برخی مچ گیری‌های مالی یا سوء استفاده‌های شخصی از امکانات دولتی در جهت اهداف گروهی برای پیروزی در انتخابات یا تثبیت پست و مقام هم انجام می‌شد. ولی همه اینها موقت و مصلحتی، نه مبنایی و ریشه‌دار بوده است. ای کاش مدعیان اسلام ناب محمدی به این هشدار قرآنی هم نیم نگاهی می‌کردند:

«مانند آن زن ریسنده نباشید که آنچه تابیده و محکم کرده بود، از هم گسست! (چگونه؟) شما سوگندهای خویش (در خدمت به خلق خدا) را وسیله فریب و دشمنی میان خویش قرار داده‌اید تا در رقابت تمامیت‌طلبی، هر گروهی فزون قدرت‌تر از گروه دیگر گردد. جز این نیست که در معرض آزمون الهی هستید و روز قیامت برآنچه (از قدرت و ثروت و موقعیت و...) در آن اختلاف می‌ورزید، آگامتان خواهد کرد» (نحل ۹۲)

این تعارضات در شرایطی اتفاق می‌افتد که قطار، حساب و کتاب و برنامه منظمی برای رسیدن به مقصدی که مسافران انتخاب کرده‌اند نداشته باشد و راننده مصلحت اندیشی کند که مسافران بهتر است هرکدام کجا پیاده شوند!

در میان مراجع مهر سکوت به لب زده و اعضای مجلس خبرگان رهبری که وظیفه اصلی‌شان نظارت بر رهبری است و همگی با انتساب به دین به نان و نام رسیده‌اند، تکلیفی بس سنگین‌تر نزد خدا و خلق او دارند، آیا به یاد فردا هم هستند؟

از وقتی شجره خبیثه استبداد دینی تحت عنوان ولایت مطلقه فقیه در خاک مستبدپرور ایران نشانده شد، برخی سخن علامه «نائینی»، عالم دینی آزاده دوران مشروطیت را یادآور شدند که در مقایسه استبداد سیاسی با استبداد دینی، علاج نجات از دومی را به مراتب صعب‌تر از اولی شمرده بود، و برخی سخن معروف فردوسی طوسی را در شأن آن شجره هشدار دادند:

درختی که تلخ است وی را سرشت	گوش برنشانی به باغ بهشت،
ور از جوی خلدش به هنگام آب	به بیخ، انگبین ریزی و شهد ناب
سرانجام گوهر به کار آورد	همان میوه تلخ بار آورد

عبدالعلی بازرگان

۱۳ مرداد ۱۳۹۲

چهارم سپتامبر ۲۰۱۳